

سواد آموزی اطلاعاتی در مدارس

فریبرز خسروی^۱

چکیده: سواد اطلاعاتی به آن توانایی اطلاق می‌شود که شخص بتواند برای رفع نیاز خود اطلاعاتی را مؤثر تشخیص دهد و ارزیابی کند. جایگاه آموزشی سواد اطلاعاتی در مدارس و به ویژه در کتابخانه‌های آموزشی به عنوان آزمایشگاه فراگیری است. زمان تربیت انسان‌های اطلاعات محور دوران اولیه تحصیل است. در بسیاری از کشورها با توجه به اهمیت نقش کتابخانه‌های آموزشی در پیدایش سواد اطلاعاتی در دوره آموزش عمومی، برنامه‌ریزیهای ملی و منطقه‌ای صورت پذیرفته است. برنامه‌ها و بودجه‌های برخی از این کشورها به اختصار آمده است و نقاط قوت و ضعف سوادآموزی اطلاعاتی و کتابخانه‌های آموزشی در ایران ارائه شده است. تعیین معاونت امور کتابخانه‌ها در وزارت آموزش و پرورش، تعیین بودجه مشخص، ایجاد ساعات مطالعه آزاد در مدارس، معرفی کتاب در کتابهای درسی و ... از جمله پیشنهادات است.

میزان اطلاعاتی که در این عصر از طریق محملهای مختلف مبادله می‌شود هیچ‌گاه به این گستردگی و سرعت نبوده است. اگر اصطلاح "انفجار اطلاعات" را برای این دوره غیردقیق بدانیم، اصطلاح "انفجار انتشارات" کاربردی عینی داشته و نامی منطبق با واقعیت خواهد بود. در این دوره در هر سال بیش از چهار میلیون مقاله نوشته می‌شود^(۱) و محملهای گوناگون اطلاعات، سرعت و دقت دستیابی و پردازش را صد چندان کرده است. میزان اطلاعات منتشر شده توسط روزنامه‌ها در یک روز، بیش از کل اطلاعاتی است که یک نفر در دوران عمر خود در

۱. معاونت خدمات فنی و عمومی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قرن هفدهم می‌توانست کسب کند^(۲). این حجم اطلاعات و چگونگی مبادله آن که حرکتی ورای مرزها و ملیتهاست، جامعه امروز را در آستانه ورود به فرهنگ غیرمادی قرار داده است، فرهنگی که در آن آموزش، اطلاعات و شناخت محور اصلی سنجشها خواهد بود.

اگر در گذشته میزان تولید صنعتی و وضعیت انرژی شاخص پیشرفت و عقب‌ماندگی بود، امروز به قول تافلر جابه‌جایی قدرت صورت گرفته است و اطلاعات جایگزین تمامی عناصر تعیین‌کننده شده است و می‌رود که انقلاب صنعتی میدان را برای انقلاب اطلاعاتی خالی کند و "کارگران اطلاعاتی" جایگزین "کارگران صنعتی" شوند.

این روند، نقش اطلاعات در توسعه را نیز مشخص می‌کند، گسترش خدمات فرهنگی و افزایش تولید که از شاخصهای توسعه محسوب می‌شوند، بدون دستیابی صحیح و سریع به اطلاعات میسر نخواهد بود.

در این میان با توجه به "حجم اطلاعات"، "آلودگی اطلاعات" و جریان یکسویه اطلاعات که منجر به جریان سیل‌آسای اطلاعات از سوی کشورهای "اطلاعات محور" به سوی کشورهای جنوب شده است، لازم است که به این مقوله توجه جدی و کاملی مبذول شود. پدیده "استعمار اطلاعاتی" و چگونگی برخورد با آن باید در صدر برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی قرار گیرد. آموزش عمومی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت انسانها برای چگونگی مواجهه با اطلاعات داشته، از "استعمار اطلاعاتی" بکاهد و راه را برای "عدالت اطلاعاتی" هموار سازد.

سواد اطلاعاتی

زمانی فیلسوف کسی بود که تقریباً تمامی دانش زمان را دارا بود و در آن تبخیر کامل داشت. گسترش دانش بشری با عنایت به محدودیت عمر انسان، مسئله تخصص را پیش می‌آورد. هر فرد می‌تواند در یک شاخه، آن هم در جزئی از آن، صاحب‌نظر شود. حتی میزان اطلاعات تولید شده در حوزه‌های تخصصی به آن حد است که مطالعه و دانستن تمامی آن برای یک فرد در بسیاری مواقع غیرممکن است.

در سال ۱۷۹۱ اندیشمندی گفته بود که دانش بر دو گونه است: یا خود آن را می‌دانیم، یا می‌دانیم که در کجا می‌توانیم اطلاعاتی درباره آن بیابیم. واقعیت این است که این نوع دوم دانش در جامعه اطلاعاتی امروز اهمیت قابل ملاحظه‌ای یافته است. شعار "بیاموزیم که چگونه بیاموزیم" - الگوی آموزش قرار گرفته است - به نوعی القای همین معنا را می‌کند.

قبل از ظهور خط، کاغذ، و چاپ حافظه نقشی اساسی را در حیات انسان بر عهده داشت و معیار دانایی بود. با گذشت زمان به ویژه با ظهور چاپ "سواد خواندن و نوشتن" مترادف دانایی

شد و حافظه کاربرد کمتری یافت و اکنون در عصر اطلاعات، توانایی جایابی، پردازش، و استفاده مؤثر از اطلاعات جایگزین "حافظه و سواد" شده است.

امروز این توانایی دسترسی، بازیابی و ارزشیابی اطلاعات بخش عمده‌ای از تعریف سواد را شامل شده، سواد اطلاعاتی و کتابخانه‌ای را مطرح می‌کند.

سواد کتابخانه‌ای را به یادگیری مهارت‌های بنیادی در ارزیابی اطلاعات تعریف کرده‌اند. سواد اطلاعاتی یا اطلاع‌یابی را به آن توانایی اطلاق کرده‌اند که شخص بتواند به منظور رفع یک نیاز، اطلاعاتی را مؤثر تشخیص دهد و ارزیابی کند^(۳).

اینکه دانش‌آموز بیاموزد که در میان توده اطلاعاتی که انفجار آمیز در حال افزایش است و از میان انبوه نوشته‌ها و منابع اطلاعاتی، منبع مورد نظر را با کمترین اختلال و گزینش اضافی به طور نسبتاً کامل در کمترین زمان ممکن پیدا کند، عمر مفید مطالعاتی و تحقیقاتی او را چندین برابر افزایش می‌دهد.

فارغ‌التحصیلان ما از این دیدگاه کاستی‌های فراوانی دارند. دو آزمون که برای کارشناسی ارشد انجام شد خواسته شده بود که نام کتب مرجع رشته خود را بنویسند، ۶۰ درصد آنان حتی یک عنوان هم ننوشته بودند.

این بیسوادی اطلاعاتی حاصل نبودن برنامه‌ریزی در سطوح پایین‌تر تحصیلی است که باعث تلف شدن انرژی و عمر و تلاش مغزهایی می‌شود که در صورت باسواد بودن در مدت کوتاهی می‌توان شاهد بالندگی و زاینده‌گی آنان بود.

به‌طور خلاصه، سواد اطلاعاتی به فرد می‌آموزد که در اقیانوس عظیم اطلاعات چگونه شنا کند تا گرفتار گرداب نشود اما مروارید صید کند؛ و در "بزرگراه‌های اطلاعاتی" چگونه براند که در کوتاهترین مدت با سرعتی مناسب به مقصد مطلوب برسد. و این مهم می‌طلبد که به قول میلر "هم هنر کتاب نخواندن" را بیاموزد و هم هنر "کتاب خواندن" را.

جایگاه آموزش این هر دو، در مدارس و به ویژه در کتابخانه‌های آموزشگاهی به عنوان "آزمایشگاه فراگیری" است. زمان تربیت انسانهای "اطلاعات محور" دوران اولیه تحصیل است که آموزش در آنان "نقش فی الحجر" را پیدا کرده که در سطوح بالاتر اثرات آن را در شیوه پژوهش، دقت، سرعت و ... ملاحظه خواهیم کرد.

در بسیاری از کشورها با توجه به اهمیت این موضوع و نقش کتابخانه‌های آموزشگاهی در پیدایش سواد اطلاعاتی در دوره آموزش عمومی، برنامه‌ریزیهای خرد و کلانی را در سطح ملی و منطقه‌ای انجام داده‌اند.

گزارشها نشان می‌دهد که رسیدگی و توجه به کتابخانه مدارس و برنامه‌ریزان در مورد آن

اقبال به مطالعه را افزایش داده، دانش‌آموزان در راستای فراگیری سواد اطلاعاتی که گام اولش "مطالعه بیشتر" است حرکت جدی را آغاز کرده‌اند.

در تجربه بسیار ساده‌ای در کشور نروژ^(۴)، همکاری کتابخانه‌ی مدرسه و کتابخانه‌ی عمومی و برنامه‌ریزی مناسب باعث شد که متوسط ۱۶/۵ کتاب مطالعه شده در سال برای هر دانش‌آموز به ۳۶/۳ کتاب افزایش یابد. در مجموع میزان استفاده از کتاب ۵۰ درصد در بین دانش‌آموزان بیشتر شده است. این تجربیات نشان می‌دهد که با برنامه‌ریزی‌های جاذب، کم‌سن‌ترین دانش‌آموزان در امر مطالعه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته و وقت کمتری صرف تماشای تلویزیون و ویدئو کرده‌اند.

اهمیت مطالعه و کتابخانه در این سنین بدان حد است که کشور فقیر و تحت محاصره‌ای مثل کوبا که کل جمعیتش در حدود نصف جمعیت دانش‌آموزان ماست طرح‌های کلان ملی را در این زمینه تدارک دیده و به پیش برده است. این کشور که در سال ۱۹۶۱ فقط ۶۱ کتابخانه آموزشی داشته در ۳۳ سال بعد آن را به ۴۴۰۰ کتابخانه رسانده است. سازمان ملی کتابخانه‌های آموزشی مسئولیت توسعه کمی و کیفی کتابخانه‌ها را به عهده گرفته است و با ایجاد دوره‌های گوناگون در پایان سال تحصیلی ۹۱-۹۲ آن کشور ۵۶۵۲ کتابدار آموزشی واجد شرایط با گواهی‌نامه رسمی داشته است^(۵).

به نظر می‌آید اگر امکانات سیاسی و اقتصادی مجال دهد کوبا همان‌گونه که در سوادآموزی به عنوان الگو مطرح است، بتواند "در سوادآموزی اطلاعاتی" نیز الگو شود.

در هلند از سال ۱۹۹۰ درس سواد اطلاعاتی در مدارس تدریس می‌شود و دولت چین در سال ۱۹۸۷ فرمانی صادر کرد که کلیه کتابخانه‌های آموزشی را موظف به تهیه دستورالعمل نحوه استفاده از کتابخانه می‌کند^(۶).

در هند با وجود ۹۰ میلیون دانش‌آموز طرح‌های بنیادی را در جهت بهبود کیفیت کتابخانه‌های آموزشی آغاز کرده‌اند.

سوادآموزی اطلاعاتی و کتابخانه‌های آموزشی ایران

فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی ما بیانگر توجه و اهتمام به کتاب و کتابت است. میراث عظیمی از کتب و دستنوشته‌های بر جای مانده از سده‌های پیشین حاصل تلاش طلاب علم و پویندگان دانش است. اصولاً کتابت و بازنویسی آثار دیگران یکی از شیوه‌های تعلیم و تعلم در تمدن اسلامی است^(۷) و این حرکت عظیم تعداد متناهی از کتب را در زمانی پدید آورد که در اروپا نادر کتب موجود در کلیساها را به زنجیر می‌کشیدند^(۸).

با آنکه "در زمانهای گذشته آموزش ابتدایی و عالی در مساجد انجام می‌گرفت و هر مسجدی دارای کتابخانه کوچکی بود که در آن کتابهای لازم جمع‌آوری می‌شد" (۹) ولی در تمدن اسلامی با مدارس مستقلی هم مواجه می‌شویم که دارای کتابخانه‌های عظیم بوده‌اند، مدرسه ابونصر صابر بن اردشیر در قرن دهم میلادی دارای کتابخانه‌ای با یکصد هزار جلد کتاب بود و مدرسه دیگری به دست شاعر شیعی محمد بن حسین موسوی با نام مستعار شریف رضی در سالهای ۳۸۳-۳۸۱ ق. ساخته شد. این مدرسه دارای مجموعه کتاب با ارزش و مفید بوده و طلاب بسیاری برای مطالعه به آنجا مراجعه می‌کردند.

اهمیت کتاب و کتابخانه در مدارس بدان حد بود که در تمدن اسلامی و ایرانی کمتر به مدرسه‌ای برخورد می‌کنیم که بدون کتابخانه باشد (۱۰). با آن گذشته درخشان، وضعیت موجود کتابخانه‌های آموزشی از لحاظ کمی و کیفی اصلاً مطلوب نیست. متوسط مساحت این کتابخانه‌ها ۵/۶ متر مربع و این رقم در دبستانها ۲/۷۷ متر مربع است! فقط در ۲/۲ مدارس کتابدار مسئول کتابخانه است. میزان بودجه سرانه کتابخانه در یک سال در امر کتابخانه که بیشترین تأمین‌کننده آن نیز اولیاء بوده‌اند در دبستانها ۷/۴۳ و در راهنمایی ۲۰/۸۸ ریال بوده و این رقم در مدارس روستایی ۴/۹۱ ریال بوده است (۱۱). این در حالی است که دو دهه پیش میزان سرانه در مدارس ابتدایی ژاپن ۲/۳ دلار و متوسط بودجه سالانه مدارس راهنمایی و ابتدایی ۱۰۰۰ دلار و دبیرستانها ۴۵۰۰ دلار بوده است (۱۲).

تحقیقات انجام یافته طی سالهای اخیر بیان‌کننده تشنگی و علاقه شدید اولیه دانش‌آموزان ایرانی به مطالعه است. ۹۹ درصد دانش‌آموزان ابتدایی و ۹۵ درصد دانش‌آموزان راهنمایی به خواندن کتاب اظهار علاقه کرده‌اند (۱۳) که نشان دهنده نیاز باطنی به این امر حیاتی است. اما وضعیت موجود کتابخانه‌های آموزشی و فقدان راهنمایان کارآموده گاهی تا ۵۳ درصد مطالعه‌کنندگان را به رهاکردن این امر واداشته و ۲۰/۱ درصد را حتی به تنفر از کتاب سوق داده است (۱۴).

این ارقام گوشه‌ای از حقایقی است که نمایانگر وضعیت نامطلوب کتابخانه‌های آموزشی و نیروی انسانی شاغل در آن است. مکانی که به عنوان "آزمایشگاه فراگیری" می‌تواند بیشترین تأثیر را در جهت بالندگی و پویایی فراگیران داشته باشد. اگر بنا باشد که مطالعه و سواد اطلاعاتی و کتابخانه‌ای پدید آید مسلماً برنامه‌های کلان با تخصیص امکانات ویژه اولین اقدام خواهد بود.

قبل از ارائه هرگونه پیشنهادی دو تذکر ضروری به‌نظر می‌رسد:

الف. با آنکه کامپیوتر نقشی اساسی در ذخیره، پردازش، و انتقال اطلاعات بر عهده دارد، و

کاربرد آن در دنیای امروز امری ضروری است، لازم است در مورد چگونگی بهره‌گیری و آموزش آن در سطح آموزش عمومی دقت شود. اینکه دبستانی شعار آموزش با کامپیوتر را جزو برنامه‌های خود برای جذب مشتری اعلام می‌دارد ناشی از ناآگاهی و روحیه "اشرافیت‌بیزی" است که در میان ما حاکم است. بهره‌گیری بی‌رویه از کامپیوتر و آموزش بی‌برنامه آن نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه بیسوادان اطلاعاتی را تحویل جامعه خواهد داد که بیسوادیشان را در زیر آگاهی مقدماتی از فن بهره‌گیری از کامپیوتر پنهان می‌کنند.

اصولاً نحوه برخورد با کامپیوتر در سطوح مختلف درسی، حتی در غرب هم محل تأمل و بحث بوده است (۱۵). اما به هر صورت لازم است در این زمینه به ویژه در سطح آموزش عمومی سیاست روشنی در پیش گرفته شود.

ب. مکتب ما عدالت را به عنوان یکی از محوری‌ترین اصول در عقیده و عمل مطرح می‌کند. برای دستیابی به این مهم و مبارزه با "استعمار اطلاعاتی" لازم است که در سطح عمومی جامعه فرزندانمان را به سلاحی مجهز کنیم که منادی "عدالت اطلاعاتی" در جامعه باشند. و این حاصل نمی‌شود مگر با طرح و برنامه در "مسیر سواد اطلاعاتی"

پیشنهادها

۱. در کلیه سطوح آموزشی حتی در نظام جدید متوسطه، آموزش "کتاب محور" است. تنها یک کتاب مناط آموزش است. به قول یوکلن: آموزش و پرورش در جهان سوم مبتنی بر روش آموزشی بی‌نیاز از مراجعه به مواد خواندنی جنبی یا کتابخانه است (۱۶). لازم است در تدوین کتب درسی و روشهای تدریس، بر اهمیت ارجاع دانش‌آموز به مواد جنبی و کتابخانه تأکید شود و اصولاً ساختار کتابها به گونه‌ای شکل گیرد که این ارجاع را قطعی کند.

۲. تعیین وضعیت کتابخانه‌های آموزشی در صف و ستاد، شامل:

- تعیین معاونت امور کتابخانه و سوادآموزی اطلاعاتی در وزارت آموزش و پرورش. این معاونت می‌تواند خط‌مشی بهره‌گیری از کامپیوتر را در سطوح مختلف طراحی کند.

- ایجاد پست سازمانی در استانها، مناطق، و مدارس برای تصدی امر مربوط به کتاب و کتابخانه.

- تعیین سرفصل بودجه مستقل برای کتابخانه‌های آموزشی

۳. نقش کتابدار - معلمان و کتابداران آموزشی بسیار مهم است. لازم است این رشته در مراکز تربیت معلم ایجاد شود و به تناسب نیاز گسترش یابد.

۴. متن بعضی دروس باید با هدف معرفی کتاب و کتابخانه و سواد اطلاعاتی تنظیم شود. در

سطوح دبستان و راهنمایی می‌توان این معرفی را، با زبانی ساده انجام داد و دانش‌آموز را با مفهوم اطلاعات، بانک اطلاعاتی، پایگاه اطلاعاتی و ... آشنا ساخت.

۵. تأثیر رادیو و تلویزیون در امر مطالعه و سواد اطلاعاتی بسیار تعیین کننده است. این رسانه‌ها می‌توانند تحریک کننده دانش‌آموزان به خواندن کتابهای خاص باشند، یا تبدیل به یکی از عوامل بازدارنده از مطالعه شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که ۳۲/۸ درصد دانش‌آموزان تلویزیون را مزاحم مطالعه خود می‌دانند. (۱۷) و در تحقیقات دیگری مشخص شده است که در آمریکا هر دانش‌آموز به ازای هر ۱۲۰۰ ساعتی که به کلاس می‌رود ۱۵۰۰ ساعت تلویزیون می‌بیند (۱۸).

لازم است ضمن همراهی و همگامی مسئولان رادیو و تلویزیون با آموزش و پرورش، برنامه‌های منظم و هدفدار جهت تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه و آگاهی آنان از شیوه بهره‌گیری از اطلاعات تدارک دیده شود. همان‌گونه که ذکر شد تجربه نروژ نشان می‌دهد که برنامه‌های موفق مطالعاتی از میزان اقبال به تلویزیون کاسته است.

۶. با توجه به فقر موجود کتابخانه‌های آموزشی، لازم است کتابخانه‌های عمومی در زمینه ارائه خدمات در کلیه سطوح آماده شوند. این همکاری در بعضی کشورها منشأ تحول در میزان اقبال به کتاب شده است.

ایجاد کمیته‌های مشترک در هر شهرستان متشکل از مسئولان آموزش و پرورش، انجمن اولیاء و مربیان، مسئولان کتابخانه‌های عمومی و کانون پرورش می‌تواند تسهیل کننده این فعالیتها باشد.

۷. ایجاد ساعات مطالعه در دبستانها. لازم است شرح فعالیت‌های این ساعت کاملاً تبیین شود. بدیهی است وجود نیروی انسانی متبحر و امکانات فیزیکی شرط مقدماتی است.

۸. تعیین خط‌مشی تهیه و انتخاب و هم‌چنین تهیه استانداردهای کتابخانه‌های آموزشی برای هدایت و بهسازی این کتابخانه‌ها. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در جهت تهیه این استاندارد حرکتی را آغاز کرده است. ■

یادداشتها

۱. محمد حسین دبانی، محمدحسین. "ضرورت آموزش کتابداری جدا از انقلاب" نشر دانش. سال دوم،

شماره ۲، ۳۶۰

۲. باربارا فورد. سواد اطلاعاتی به عنوان یک پاسخ. ترجمه ثریا قزل اباغ. گزیده مقالات ایفلا. تهران،

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴ ص. ۲۲۴

3. Jill Fatzler. "Library Literacy", in: *R. D.* vol 126, No. 3, 1987, P. 313-317

4. Torny.Kjekstad. "Library Services for Young Adults", in: *60st IFLA General Conference, Cuba, 1994*. P. 4.

۵. مرشدس آفرنسرکتوما، ایدلیوروجاس کرسپو. کتابخانه‌های آموزشی در کوبا: منبعی برای آموزش.

ترجمه فریبرز خسروی. گزیده مقالات ایفلا. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴. ص. ۴۱

۶. باربارا فورد. همان منبع صفحه ۲۳۰-۲۳۱

۷. نجیب مایل هروی، نقد و تصحیح متون. مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۹. ص. ۲۷

۸. ویل دورانت. تاریخ تمدن، عصر ایمان. ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: سازمان انتشارات انقلاب

اسلامی، ۱۳۶۹. ص. ۱۲۲۶.

۹. محمد مکی السباعی. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی. ترجمه علی شکویی.

تهران: سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳. ص. ۷.

۱۰. همان منبع صفحه ۱۶۵

۱۱. فریبرز خسروی. کتابخانه‌های آموزشی ایران. تهران: انتشارات صالحین، ۱۳۷۳.

بیشتر آمار و ارقام درباره وضعیت کتابخانه‌های مدارس از این منبع نقل شده است.

۱۲. گسترش کتابخانه‌های آموزشی در زابن. ترجمه فرشته کاشفی، نامۀ انجمن کتابداران ایران. دوره

پازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۵۷. ص. ۲۲۱-۲۲۲

۱۳. علی زرافشان. "بررسی وضعیت مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ

نشده، دانشگاه تهران: ۱۳۷۲. ص. ۵۳

۱۴. فریبرز خسروی، همان منبع صفحه ۸۶

۱۵. در این زمینه مراجعه به مقاله ارزشمند: اشغلو، کامپیوتر در مدارس، ترجمه دکتر خسرو باقری که از

شماره دیماه ۷۳ ماهنامه تربیت چاپ شده است، بسیار مفید خواهد بود.

۱۶. جان بوکلن. "کتابدار پابره‌نه" فصلنامه کتاب دوره اول، شماره یک بهار ۶۹. ص. ۹

۱۷. فریبرز خسروی همان صفحه ۸۵

18. George F. Knaller, *Foundation of Education*. New York: John Wiley, 1971. P. 48.